

وسواس در اظهارات کری

تحبیب ایران - عقب نشینی آمریکا و یا دام اندازی

امیرفیض- حقوقدان

آقای کری وزیر امور خارجه آمریکا اخیر در خبرگزاری رویترز مطلبی در رابطه با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل عنوان کرده که ابهامات در آن، اجازه وسواس های مختلفی را میدهد.

اظهارایشان چنین است:

اگر ایران ممنوعیت های مندرج در قطعنامه های سازمان ملل در ارتباط با مبادله تسلیحاتی یا برنامه موشکی را نقض کند باعث بازگشت خودکار تحریم های مربوطه به برنامه اتمی نخواهد شد.

کری اضافه کرده است؛ ممنوعیت مبادلات تسلیحاتی و بازگشت خودکار تحریم ها ربطی بهم ندارد. بازگشت فوری تحریم ها به مجموعه متفاوتی از تعهدات مربوط میشود. بنابراین اگر ایران بخش مربوط به منع تسلیحات را زیر پایگذارد، موافقت نامه هسته ای را نقض نکرده است.

ابهام باتضاد

اظهارات آقای کری با توافق جامع هماهنگ نیست و در عرض تضاد قرار دارد. بر اساس توافق جامع که مورد تانید نمایندگان ایران هم قرار گرفته؛ اگر جمهوری اسلامی (ایران) تعهداتش را نقض کند آن دسته از قطعنامه های تحریمی سازمان ملل علیه این کشور که مربوط به برنامه اتمی میشود فوراً به حالت اولیه برخواهد گشت.

آیا این تضاد معلوم و روشن در اظهارات آقای کری از باب تحبیب ایران و یا عقب نشینی آمریکا و یا یک برنامه ریزی حساب شده برای اغفال ایران است.

تحبیب ایران و یا عقب نشینی آمریکا

میدانید که صراحت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان بر ممنوعیت فعالیت های موشکی و دیگر سلاحهائی است که در قطعنامه مزبور برای مدت ۸ سال ممنوع شده است و باز استحضار دارید که این تصریح ممنوعیت در قطعنامه مزبور سخت با مخالفت جمهوری اسلامی روبرو شده است تا جایی که ۱۵۰ نماینده مجلس اسلامی ضمن لایحه ای خواستار شده اند ارتش جمهوری اسلامی برای نشان دادن مخالفت خود با محدودیت قطعنامه مزبور به آزمایش های موشکی دست یازد و در مقابل درخواست نمایندگان مجلس اسلامی رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی هم درخواست نمایندگان مجلس را موکول به قبول ولی فقیه کرده است.

از آن مهمتر عباس عراقچی هم نسبت به محدودیت مزبور، پایگاه مخالفت سخت تری دارد و گفته است که کشورش قصد تبعیت از تحریم های مربوط به خرید و فروش سلاح و یا برنامه موشکی را ندارد و اضافه کرده است >هرگاه لازم باشد برای متحدان خود در منطقه سلاح بفرستیم چنین خواهیم کرد از این کارشمنده نیستیم.<



آیا میتوان اظهارات کاملا مخالف و یا تعدیل شده آقای کری را به حساب عقب نشینی آمریکا در مقابل اصرار ایران به نادیده گرفتن بخش تحریم تسلیحاتی قطعنامه شورای امنیت دانست؟

اشکال بزرگ این مقوله

برفرض اینکه اظهارات کری از باب تحبیب ایران و یا عقب نشینی آمریکا گرفته شود؛ اشکال بزرگ این مقوله آنجاست که:

- (۱) توافق جامع در کنار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسیده است، و نمیتوان بین قطعنامه و توافق جامع، تفکیک اجرایی قائل شد و به عبارت دیگر، مستند صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گزارش مذاکرات و توافقنامه جامع بین ۱+۵ و ایران است که هریک از کشورهای عضو ۱+۵ متن توافق جامع را بضمیمه نامه ای به شورای امنیت فرستاده اند. بنابراین نمیتوان بین توافق جامع و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تفکیک شد. چرا که هر دو یک مجموعه حقوقی را تشکیل میدهند.
- (۲) برخلاف تصور، قطعنامه ۲۲۳۱ یک قطعنامه مستقل نیست. و علاوه برآنکه متصل به توافق جامع است جمیع قطعنامه های گذشته شورای امنیت درباره ایران هسته ای را شامل میشود.

دولت سوئیس در همین پنجشنبه ۲۲ امرداد بیانیه ای از سوی شورای فدرال آن کشور منتشر ساخت و اعلام کرد که دولت سوئیس این حق را برای خود محفوظ میدارد که در صورت عدم اجرای توافق، تحریم های لغوشده قطعنامه های شورای امنیت را که لغوشده دوباره بازگرداند.

یعنی از نظر شورای فدرال سوئیس قطعنامه های سابق شورای امنیت علیه ایران باطل نشده بلکه تجمیع در قطعنامه ۲۲۳۱ گریده است.

۳) کشورهای عضو سازمان ملل موظف هستند که بر اساس ماده ۲۵ منشور سازمان ملل تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا کنند. یعنی قطعنامه شورای امنیت در موقعیتی از قطعی و لازم الاجرا بودن قرار گرفته که آمریکا و هیچیک از کشورهای عضو سازمان و همچنین ایران نمیتوانند از اجرای آن سرباز زنند.^۱

۴) ماده ۲۷ کنوانسیون وین مقرر داشته که یکطرف عهدنامه نمیتواند به حقوق داخلی خود استناد کرده و به اعتبار آن از اجرای عهدنامه سرباززند.

۵) علی خامنه ای در نماز عید فطر پس از تشکر از نمایندگان هسته ای ایران گفته: «چه متنی که تهیه شده (برنامه توافق جامع) در مجاری قانونی پیش بینی شده خود تصویب بشود و یا نشود اجرای آن محفوظ است».

یعنی اجرای توافق جامع بالاتر از تصویب و یا رد مجاری قانونی جمهوری اسلامی است و این درست تصریحی است که هم در کنوانسیون وین و هم در حقوق بین الملل مستتر است.

۶) آقایان ظریف و عراقی قطعنامه ۲۲۳۱ رضامن اجرای توافق جامع دانسته اند بنابراین پیوستگی قطعنامه ۲۲۳۱ و توافق جامع غیر قابل انکار است؛ چه از نظر ماهیت حقوقی قطعنامه و منشور سازمان ملل و چه طرف قطعنامه که ایران است.

محدودیت قطعنامه نسبت به تسلیحات غیر اتمی

اجازه بدهید ابتدا به محدودیت مطرح شده در قطعنامه ۲۲۳۱ رجوعی داشته باشیم.

<از ایران خواسته میشود تا هیچ فعالیتی مرتبط با موشک های بالیستیک طراحی شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته ای صورت ندهد از جمله شلیک هرگونه موشک با استفاده از چنین فناوری های مربوط به موشک بالستیک تا زمان ۸ سال پس از روز پذیرش برجام و یا تازمانی که آژانس بین المللی اتمی گزارشی ارائه دهد که «جمع بندی مبسوط» راتائید کند، بسته به اینکه کدام زودتر اتفاق افتد».

محدودیت مقرر شده در قطعنامه ۲۲۳۱ چیز تازه ای نیست در قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه ایران همین محدودیت با عبارت دیگری هم بوده است. باین تفاوت که جمهوری اسلامی همواره قطعنامه

۱ - ولی گویا تنها اسرائیل می تواند سر باز زند، چندین قطعنامه از جمله قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل هنوز از سوی اسرائیل اجرا نشده است. ح-ک

۱۹۲۹ و سایر قطعنامه های شورای امنیت درباره مسئله هسته ای را خلاف قانون و ناحق میدانسته ولی نسبت به قطعنامه ۲۲۳۱ اظهاررضایت و آنرا ضامن توافق جامع دانسته است.

توجه- این تحریروارد ماهیت محدودیت آرتیکل بالا که امری فنی از نظرشناخت موشک هاست نمیشود (پایان)

توهّمات

عبارت **<از ایران خواسته میشود>** در ابتدای بند محدودیت قطعنامه ۲۲۳۱ این توهّم را بوجود آورده که ماده مزبور در قطعنامه ایجاد الزام و تعهد برای ایران نمیکند و امری اختیاری برای ایران محسوب میگردد که قبول کند و یا نکند.

ابهام دیگر هم پیاپی توهّم بالا شنیده میشود که قطعنامه بطرفیت ایران نیست بنابراین لزومی در تبعیت از آن دیده نمیشود (عراقچی).

هردوی توجّهات ذکر شده توهّم و فاقد مبانی حقوقی میباشد - قطعنامه شورای امنیت عهدنامه بین المللی نیست که امضای کشور مشمول ماده ۴۱ را لازم داشته باشد؛ قطعنامه را میتوان یک حکم و اجبار در قبول و اجرای آن برای عموم کشورها دانست و این برداشت همان است که ماده ۴۲ و ۴۳ منشور صریحا اعلام کرده است.

شورای امنیت تنها نهادی است که تصمیماتش قدرت اجرائی دارد و نسبت به تمام اعضای سازمان شمول دارد. (ماده ۲۵ منشور سازمان) مگر قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران در رابطه با فعالیت اتمی، موافقت ایران راداشت؟ در حالیکه ایران و همه کشورهای عضو سازمان مجبور به تسلیم در مقابل آن قطعنامه ها شدند.

از آنجا که قطعنامه شورای امنیت عهدنامه نیست و قبول و اصالت آن نیاز به امضای کشور طرف قطعنامه را ندارد و برای همه کشورهای عضو سازمان ملل بلااستثناء لازم التباع و لازم الاجراست لذا عبارت؛ از ایران خواسته میشود همان مفهوم مندرج در منشور سازمان را دارد یعنی الزام مستتر در قطعنامه های شورای امنیت.

و انگهی عبارت **(از ایران خواسته میشود)** تعبیر به رعایت نزاکت بین المللی است و الا ذات و ماهیت قطعنامه شورای امنیت حکم اجرائی است و اجرای حکم هم نمیتواند داوطلبانه باشد.

اشکال دیگر

اشکال دیگری که سایه آنرا کاملا میتوان ملاحظه کرد این است:

از آنجا که توافق جامع بتصویب شورای امنیت رسیده و به اظهار آقای عراقچی قطعنامه ۲۲۳۱ ضامن توافق جامع است و از آنجا که همانطور که عرض شد نمیتوان بین توافق جامع و قطعنامه ۲۲۳۱ قائل

به تمایز اجرائی شد و از طرفی اساساً قطعنامه مزبور به اعتبار توافق جامع بتصویب رسیده است لذا مسئله ارجاع توافق جامع به مجلس اسلامی و یا کنگره آمریکا ماجرا را با اشکالی بیسابقه از نظر حقوق بن الملل مواجه خواهد ساخت.

توضیح اینکه بنا بر اصل حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل قوانین و حقوق داخلی کشورها نمیتواند مانع از اجرای تعهدات و قطعنامه های شورای امنیت گردد و به عبارت دیگر قطعنامه شورای امنیت مقدم بر تصمیم مجلس و یا کنگره است.

در این صورت تصویب توافق جامع از سوی مجلس اسلامی و یا کنگره آمریکا چه تاثیری در روند توافق جامع که مورد تائید و تصویب شورای امنیت سازمان قرار گرفته خواهد داشت؟! زیرا هر تصمیمی که گرفته شود در چارچوب حقوق داخلی ایران و آمریکا در حدی واجد اعتبار خواهد بود که با مواد توافق جامع که بتصویب شورای امنیت رسیده مغایرت نداشته باشد.

فرض کنید که توافق جامع در کنگره آمریکا و یا مجلس اسلامی رد شود و یا با اصلاحاتی روبرو شود این چنین دستاوردی قبل از ارسال توافق جامع به شورای امنیت مسلماً معتبر بود ولی بعد از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ و تنفیذ توافق جامع از سوی شورای امنیت واجد چه دستاوردی خواهد بود آنهم با توجه به اینکه شورای امنیت سازمان ملزم به تبعیت از قوانین کشورها نیست و برعکس کشورها ملزم به تبعیت از تصمیمات شورای امنیت هستند!؟

اقرار مهم

این آگاهی لازم است که آقای عراقچی قبل از ارسال توافق جامع به شورای امنیت کاملاً آگاه بوده است که نباید قبل از اینکه توافق جامع در مجاری قانونی جمهوری اسلامی بتصویب برسد به شورای امنیت فرستاده شود. به سند این موضوع که اظهارات آقای عراقچی است توجه بفرمائید:

> اگر ۱۶ تیر ماه به توافق برسیم متن توافق حتماً منتشر میشود اما روز توافق باید (توافق جامع) روند خود را در کشوری کند (یعنی رعایت مواد قانون اساسی در تصویب توافق جامع بشود). ترجیح آن است که وقتی به جمع بندی برسیم و توافق اعلام شود شورای امنیت بعد از آن قطعنامه را صادر و تائید خواهد کرد (مقصود قطعنامه ۲۲۳۱ است) <.....<

سند بالا نشان میدهد که نمایندگان ایران دقیقاً انتظار داشته اند که بعد از طی جریان قانونی قطعنامه در ایران یعنی رعایت اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، شورای امنیت اقدام به ورود نماید ولی اینکه از حق مسلم خود استفاده نکرده اند و این مهم را بجای اینکه در مذاکرات مطرح و بعنوان (حق شرط) پیاده کنند بعد از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ در برنامه تلویزیونی (نگاه یک) مطرح میکند مطلب ساده ای نیست که بتوان از آن گذشت.

همانطور که در تحریرات قبل اشاره شد؛ کنوانسیون وین در این مورد غافل از چاره اندیشی نبوده و با پیش بینی و وضع (حق شرط برای طرفین) مانع برخورد قوه مقننه کشورها با قطعنامه های شورای امنیت و یا عهدنامه های بین المللی شده است که متأسفانه حق شرط در توافق جامع ملحوظ نگردیده.

بنده بدرست و یا نادرست تصور میکنم که سرعت عمل آمریکا در ارسال توافق جامع به شورای امنیت و شتاب بدون دلیل شورا در صدور قطعنامه و تائید توافق جامع، محصول سیاست مشترک آمریکا و جمهوری اسلامی در دور زدن کنگره و حتی مجلس اسلامی ایران بوده است، تا آمریکا و ایران در مقابل عمل انجام شده یعنی قطعنامه شورای امنیت قرارگیرند.

نتیجه مخالفت با قطعنامه ۲۲۳۱ چیست؟

چنانکه استحضار دارید و در همین تحریر هم اشاره شد در قطعنامه ۲۲۳۱ هیچ اشاره ای ندارد که در صورت خودداری ایران از قبول قطعنامه مزبور، ایران با چه واکنشی روبرو خواهد شد.

دقت در صراحت مواد ۴۱ و ۴۲ منشور نشان میدهد که نیازی نبوده که در قطعنامه ۲۲۳۱ به ضمانت اجرایی قطعنامه اشاره شود زیرا ماده ۴۲ شورای امنیت نسبت به کشورهای که از اجرای قطعنامه شورای امنیت خودداری کنند تعیین تکلیف کرده، و آن جواز جنگ قانونی با کشوری است که نسبت به قبول قطعنامه مقاومت میکند.

ماده ۴۲ حاصل ندانمکاری های جمهوری اسلامی

ماده ۴۲ منشور سازمان میگوید: «در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد (۱) که اقدامات پیش بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست میتواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقداماتی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ضروری است اقدام کند

جنگ علیه ایران در سایه تشخیص

(۱) چنانکه ملاحظه میفرمائید؛ قطعنامه جنگ قانونی علیه ایران فقط نیاز به یک تشخیص دارد چه کسی تشخیص بدهد کافی است؟ در مورد قطعنامه ۲۲۳۱ آژانس انرژی اتمی که شاکی اصلی ایران بوده است و این در حالی است که بارزہ تشخیص شورای امنیت محدود به گزارش یک مقام معین نشده است بهر کیفیتی که نارسائی تصمیمات شورای امنیت در حول و حوش ماده ۴۱ کافی تشخیص داده شود ورود شورای امنیت به قطعنامه ۴۲ فراهم است.

اکنون این سوال پیش روی این تحریر است؛ آیا اظهارات مجلس و دیگر مقامات جمهوری اسلامی در مخالفت با توافق جامع و قطعنامه شورای امنیت که با تشویق و حمایت آمریکا و عوامل ایرانی آنها جریان دارد یک دام حساب شده آماده سازی زمینه برای صدور قطعنامه منطبق با ماده ۴۲ نیست تا از طریق این تهدید دائمی مسیر حرکت خواستهای خود را تسهیل کنند.

آقای کری در همان مصاحبه با رویترز گفته است: «آمریکا و متحدانش ابزارهای فراوانی در اختیار دارند تا در صورت نقض ممنوعیت خرید و فروش سلاح های موشکی علیه ایران اقدام کنند» آیا ابزارهای فراوانی که آقای کری به آن اشاره کرده همین دامهای حساب شده و تهدید ایران به ماده ۴۲ منشور سازمان نیست؟